

تأثیر کتابخانه ملی بر آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی

• نوش‌آفرین انصاری^۱

عضو بازنشسته گروه آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران
دبیر شورای کتاب کودک

چکیده:

کتابخانه ملی به عنوان مهم‌ترین نهاد کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور از جنبه‌های گوناگون بر آموزش رشته مورد بحث در سطوح مختلف تأثیرگذار بوده است. در مقاله حاضر به گزیده‌ای از منابع مکتوب و منابع انسانی و اهمیت و تأثیرگذاری این منابع به دلیل چندلایگی آنها اشاره شده و بر ضرورت تقویت نیروهای ماهر و گسترده‌تر شدن فعالیت‌های کتابخانه تأکید گردیده است.

کلید واژه‌ها: آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی، کتابخانه ملی، مرکز خدمات کتابداری، کتابداری اجتماعی

آموزش در هر سطح و مرتبه، جریان و تعامل بین دانسته‌ها، ندانسته‌ها و انتقال تجربه‌ها بین مدرس، دانشجو و منابع پدیدآمده به شکل اثر یا نهاد است. در گذر از این مرحله سازنده است که اندیشمندان و فرهنگ‌سازان جامعه پرورش می‌یابند و خود در گذشت زمان با پدیدآوردن آثار به بالندگی تأثیرگذار دست پیدا می‌کنند و کیفیت آموزش، در عین دگرگونی و تغییر دائم، قدرتمند و استوار می‌شود. در آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز چنین روندی طی می‌شود تا کتابدارانی دانا و سربلند پا به عرصه فعالیت بگذارند و آثار مهم و در خور توجهی، در شکل اثر مکتوب و یا کتابخانه پدید آید.

نیل به هدف آموزش کیفی در کتابداری به بررسی عوامل متعدد از جمله مدرس، دانشجو، برنامه‌های آموزشی، منابع، دسترسی به منابع، بازار کار و غیره نیاز دارد. در حقیقت آموزش کتابداری باید در یک شکل جامع منظومه‌ای مطرح شود که وجود کتابخانه‌های متناسب با نیاز، یکی از اجزای تعیین‌کننده این منظومه است. در نوشته حاضر نکاتی در مورد

کتابخانه ملی، به عنوان یکی از مهمترین اجزای تأثیرگذار بر آموزش کتابداری، با تأکید بر برخی منابع انتشار یافته از سوی آن کتابخانه و دورنمایی برای آینده مطرح می‌شود.

کتابدار تازه وارد به عرصه آموزش کتابداری، نخست در آنجا که از انواع کتابخانه‌ها صحبت می‌شود، با نام کتابخانه ملی آشنا می‌شود و می‌شنود و می‌خواند که کتابخانه‌های ملی چه اهداف بلندی را دنبال می‌کنند. سپس با کتابخانه ملی کشور خود آشنا می‌شود و نام آن بارها و بارها به گوشش می‌رسد و این توفیق را دارد که با دیدن بنای مدور پلکانی آن، بر تپه‌های عباس‌آباد تهران، بر خود ببالد که او اکنون جزئی از این خانواده است و بخش بزرگی از حیات حرفه‌ای‌اش متأثر از این نهاد خواهد بود. شاید برنامه بازدید نیز از سوی مدرسان تنظیم بشود که بر آشنایی کتابدار با کتابخانه و بخش‌های مختلف آن بیافزاید، و کمی بعدتر در جریان برنامه‌های آموزش کتابداری، کارآموز این کتابخانه هم بشود و در برنامه‌های مختلف عمومی کتابخانه نیز شرکت کند.



آموزش در هر سطح
و مرتبه، جریان و
تعامل بین دانسته‌ها،
ندانسته‌ها و انتقال
تجربه‌ها بین مدرس،
دانشجو و منابع
پدیدآمده به شکل اثر یا
نهاد است

گوناگون قرار دارد، بیشتر به ارزش و اهمیت آن پی برده می‌شود. در مورد اثر دوم، فرهنگ ایران نه از جهت موضوع، بلکه از جهت مشاهیر و پدیدآورندگان و نام‌گذاری‌های مرسوم در بستر تاریخ مورد توجه قرار می‌گیرد و سندی بزرگ که تعیین‌کننده صورت صحیح نام‌های اشهر است پدید می‌آید.

● گسترش‌ها و بازنویسی‌های پدیدآمده برای رده‌بندی‌های نظام‌های کتابخانه‌ای کنگره آمریکا و دهدهی دیوبی، در فضای آموزشی به این باور پر و بال می‌دهد که هر فرهنگی ویژگی‌های خود را دارد و نیز اینکه باید برای شناخت جهان و ایران بسیار کوشید، در جریان گفت‌وگوهای علمی قرار گرفت و اطلاعات گران‌قدر بومی تولید نمود تا بتوان بر سر سفره کتابداری جهانی نشست. لحظه‌ای از این لحظه‌های بی‌شمار جستجو در نخستین برخورد با مرحوم طاهری عراقی چنین ثبت شده است: «... از خصایل ایشان نکته‌های بسیار گفتند و قرار برای ملاقات گذاشته شد. روزی که برای مصاحبه آمد آرامش، متانت و نجابتش خبر از پر باری و تعمق علمی و ذهنی او می‌داد. فقط ۲۶ سال داشت. کتابی عربی روی دستمان مانده بود. از او مدد خواستم و کتاب را به دستش دادم. نگاهی به آن کرد، نویسنده را نام برد و محتوای کتاب را شرح داد که از چه مقوله‌ای و در باب چیست و در چه موضوعی بحث می‌کند. تیزهوشی و فراستش اعجاب برانگیخت. مصاحبه کوتاه بود. قرار شد بلافاصله به مرکز منتقل شود...» (سلطانی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۳)، که شد و اثر گران‌قدر گسترش اسلام در نظام رده‌بندی کتابخانه کنگره به همت وی و در جریان پدیده خرده جمعی در مرکز خدمات

آموزش کتابدار همچنان ادامه پیدا می‌کند، در محضر مدرسان در کلاس‌های مختلف با منابع بسیاری آشنا می‌شود که نام کتابخانه ملی بر آنها آمده است. این آثار به شکل‌های گوناگون بر آموزش کتابدار و ساخت شخصیت او تأثیر می‌گذارند، از یک سو منبع درسی هستند و آموزش مستقیم می‌دهند، از سوی دیگر مانند ادبیات ناب پیامشان غیرمستقیم است و ندانسته روان، اخلاق و محیط آموزشی را دگرگون می‌کنند. شاید به نظر برخی از خوانندگان این اشاره بدیع و نو باشد، ولی تجربه آموزشی من از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۹ بارها و بارها این چندلایگی منابع را اثبات کرده است، لذا در این بخش به برخی از این آثار اشاره می‌شود:

● دو مجموعه بزرگ مرتبط با فهرست‌نویسی و ابزار دست مدرسان و دانشجویان کتابداری، یعنی سرعنوان‌های موضوعی فارسی و فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان با اندیشه قدرتمند کردن کتابداری ایران، پاسداشت زبان فارسی و فرهنگ بومی پدید آورده شده‌اند و به عنوان پیام‌آوران وحدت رویه و نظم و قانونمندی بر روند آموزش کتابداری تأثیر می‌گذارند. در مورد اول نگاه ژرف کتابداران گروه علوم کتابداری مرکز خدمات کتابداری بر این نکته معطوف بود که برای فارسی‌زبانان نمی‌شد موضوع انگلیسی انتخاب کرد و از سوی دیگر اینکه سرعنوان مَدُون فارسی باید با استانداردهای بین‌الملل هم‌خوانی داشته باشد (دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۵۰) که امروز پس از گذشت چهل سال از بیان این اندیشه و در زمانی که زبان فارسی پیش از هر زمان مورد تهدید و آسیب‌های

کتابداری تدوین شد.

درس مرجع از لذت آشنایی با آن کتاب در یک مثلث نمادین شکل گرفت که در یک ضلع منابع، در ضلع دیگر مخاطبان و مراجعان و در ضلع سوم کتابدار پیونددهنده این دو قرار داشت.

● استانداردهای خاص برای حوزه‌های مختلف کتابداری و کتابخانه‌ها آثار دیگری هستند که از سوی کتابخانه ملی پدید آمده‌اند و به عنوان راهنما در یافتن دیدگاه‌های جامع و علمی‌تر به محیط آموزش کتابداری کمک می‌کنند، ولی درعین حال هشدار مسئولیت‌برانگیزی را نیز مطرح می‌سازند و آن اینکه فاصله بین کتابخانه‌های ایران و آنچه در فضاهای آموزشی با اشاره به این آثار و سایر منابع بیان می‌شود، بسیار زیاد است. بی‌گمان یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های کتابخانه ملی پدید آوردن استانداردهای منطبق با شرایط و نیازهای کنونی کشور و هدایت و مشاوره بر این اساس است، با این حال از کتابخانه ملی سپاسگزارم که در سال‌های اخیر استاندارد کتابخانه‌های مدارس و کتابخانه‌های زندان را نیز که بسیار مورد نیاز بود، منتشر کرد.

با توجه به سوابق تاریخی می‌توان از منابعی که تاکنون مورد اشاره قرار گرفت و هر یک به گونه‌ای بر فضای آموزش کتابداری تأثیرگذار بوده و هست، به عنوان «اندیشه‌های مهاجر» یاد کرد، زیرا تفکر هدایت‌کننده، کسب دانش لازم و انجام تجربه‌های دشوار اولیه در نهادی خارج از کتابخانه ملی، یعنی در مرکز خدمات کتابداری (دایرةالمعارف...، ص ۱۳۷۱) و در تعامل نزدیک با گروه تازه تأسیس شده کتابداری در دانشگاه تهران و مرکز اطلاعات و مدارک علمی از سال ۱۳۴۷ به بعد اتفاق افتاد، نیز باید یادآور شد که آرمان مرکز خدمات کتابداری در مورد ترویج کتابداری، تأسیس انواع کتابخانه‌ها و کمک به توسعه فرهنگ عمومی، در دهه اول حیات مرکز آنچنان که امید می‌رفت به بار نشست و شاید بتوان گفت که در ترکیبی از ناامیدی و امید بود که مرکز خدمات کتابداری راه پیوستن به کتابخانه ملی را انتخاب کرد.

بعد دیگری از آشنایی با کتابخانه ملی که در فضای آموزشی کتابداری حاصل می‌شود، مباحث مربوط به تاریخچه کتابخانه از جمله تأثیر مهم تصمیم کارشناسانه و درستی است که از سوی کتابداران به نفع این کتابخانه گرفته شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین گام برای ساماندهی کتابخانه ملی در سال ۱۳۵۸ برداشته شد و در سال ۱۳۶۲، مرکز خدمات کتابداری به عنوان یک نهاد پویای مبتنی بر نظر و عمل، با تجهیزات و کارمندان با کتابخانه ملی

تهیه هر یک از گسترش‌ها و بازنویسی‌های انجام‌شده قصه خود را دارد که کاش به تفصیل از سوی همکاران نوشته شود. نگارنده در مطلبی که برای معرفی رده دی اس آر^۲ (تاریخ ایران) در سال ۱۳۶۰ نگاشته است (انصاری، ۱۳۶۰، ص ۷۸) بر این نکته تأکید دارد که این آثار صرفاً ابزارهای نشانه‌گذاری نیستند، بلکه بر دوش پژوهشگران و همکاری صمیمانه کارمندان دلسوز پدید آمده‌اند و کاربردهای گوناگون دیگری را می‌توان برای آنها تعریف کرد، از جمله این کاربردها می‌توان به ارزش این منابع به عنوان سیاهه‌های مدون و قابل اعتماد در تدوین و بازبینی مطالب در آثار دایرةالمعارفی و کتابهای درسی اشاره کرد.

● در دیگری که با نام کتابخانه ملی بر روی فضای آموزشی باز می‌شود، آشنایی با جهان کتاب‌شناسی‌ها است، به‌ویژه کتاب‌شناسی ملی کشور چه آن زمان که به صورت چاپی در اختیار مدرس و دانشجو بود و چه این زمان که اشکال الکترونیک آن در دسترس است. تجمیع آثار مکتوب چاپی، خطی، چاپ سنگی و غیرمکتوب ایرانی در شکل انواع کتاب‌شناسی‌ها، حضور سازندگان فرهنگ این مرز و بوم را در طول تاریخ یادآور می‌شود و به دانشجوی امروز کتابداری پیام می‌دهد که در آینده‌ای نزدیک مسئولیت استفاده درست به معنای احترام به حق مالکیت، شناخت و اشاعه اطلاعات گردآوری‌شده و افزودن بر آثار پیشینیان را خود بر عهده خواهد داشت.

چندی قبل سؤال یک پژوهشگر از نگارنده در مورد مشخص کردن لحظه‌ای که پیوند من با کتابداری برقرار شد، مرا مدتی به فکر فرو برد، تا اینکه پاسخ آن پرسش را یافتم. سال ۱۳۴۰ زمانی که در ژنو (سوئیس) دانشجوی کتابداری بودم، هر شنبه به دیدن سید محمدعلی جمالزاده و خانم ایشان به آپارتمان محل سکونتشان واقع در خیابان فلورسیان می‌رفتم، ایشان هر بار کتاب‌های جدید از ایران رسیده را برایم روی میز می‌گذاشتند و درباره هر یک از آنها با ذوق فراوان سخن می‌گفتند. یکی از شنبه‌ها تنها یک کتاب روی میز بود، جلد اول فهرست مقالات فارسی (دایرةالمعارف...، ص ۱۲۴۳)، تألیف استاد ایرج افشار از انتشارات دانشگاه تهران (۱۳۴۰). ایشان از کتاب می‌گفتند و من ورق می‌زدم ... سخت تحت تأثیر محتوا، نظم و نمایه‌های کتاب قرار گرفتم. احساس می‌کنم آن روز پیوند من با فرهنگ ایران محکم‌تر و با کتابداری ایران آغاز شد و نیز علاقه‌ام به تدریس

استانداردهای خاص برای حوزه‌های مختلف کتابداری و کتابخانه‌ها آثار دیگری هستند که از سوی کتابخانه ملی پدید آمده‌اند و به عنوان راهنما در یافتن دیدگاه‌های جامع و علمی‌تر به محیط آموزش کتابداری کمک می‌کنند

زمانی که جلد اول
دایرةالمعارف کتابداری
و اطلاع‌رسانی به دستم
رسید از اینکه کتابداران
ایرانی در تدوین
نخستین دایرةالمعارف
تخصصی کشور به
عنوان یک نهاد اجتماعی
توفیق یافته بودند
احساس سربلندی و
غرور بسیار کردم



پیرامون همین محورهاست. دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی عرصه‌های بسیاری را بر روی مدرس و دانشجو باز می‌کند، به رشد و توسعه فردی و فضای آموزشی کمک می‌کند و پیام علم کتابداری که زاینده جامعه دانایی محور است از این راه در سطح عموم گسترش می‌یابد.

سال ۱۳۴۷ روزی که در درس مرجع، موضوع دایرةالمعارفها مطرح بود، جلد اول دایرةالمعارف فارسی، تألیف استاد دکتر غلامحسین مصاحب (۱۳۴۵)، را که هنوز برای کتابخانه تهیه نشده بود، پزان از وجد به سینه فشردم و از پله‌های محل گروه آموزشی کتابداری (کنار میدان توحید) بالا رفتم تا این اثر گران قدر را بر دانشجویان عرضه کنم. سپس ارزش تألیف آثار دایرةالمعارفی در ایران و دشواری‌های کار را از سال ۱۳۵۸ تاکنون در کنار خانم توران میرهادی، سرپرست فرهنگنامه کودکان و نوجوانان و همکاران ایشان، بهتر و بیشتر شناختم. زمانی که جلد اول دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی به دستم رسید از اینکه کتابداران ایرانی در تدوین نخستین دایرةالمعارف تخصصی کشور به عنوان یک نهاد اجتماعی توفیق یافته بودند احساس سربلندی و غرور بسیار کردم. آن سال (۱۳۸۱)، یک سال بود که بازنشسته شده بودم و نتوانستم راه کارهای بسیاری را که می‌توان برای خوانش جامع این اثر مرجع به کار بست،

ادغام شد (دایرةالمعارف ...، ص ۱۷۳۴) و به این کتابخانه توانمندی آموزشی و پژوهشی بخشید (مرکز اطلاعات و مدارک علمی راه دیگری را پیش گرفت). اقدام همکاران مرکز خدمات کتابداری- در فرهنگ رایج جزیره‌های خودمحور- سنت‌شکنی مهمی بود که شناختن آن به عنوان اخلاق حرفه‌ای دارای ارزش آموزشی است، ارزشی مهم‌تر از آشنایی با بسیاری از منابع و دست یافتن به بسیاری از مدارک تحصیلی و نشان‌دهنده پابندی به اصول حرفه‌ای و پاس‌داشت آرمان به‌وجود آمدن کتابخانه ملی به عنوان یک مؤسسه آموزشی، علمی، تحقیقاتی و خدماتی، متعلق به ملت انجام پژوهش‌های تحلیلی در مورد علل تأسیس مرکز خدمات کتابداری و نیز نقش این مرکز پس از ادغام در کتابخانه ملی، برای دانشجوی امروز کتابداری ارزنده و راه‌گشا خواهد بود.

در این بخش به معرفی دو منبع تأثیرگذار دیگر در آموزش کتابداری پرداخته می‌شود که می‌توان نام «اندیشه‌های مهمان» را بر آن نهاد: دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی و ترجمه گزیده مقاله‌های ایفلا.

آشنایی با جهان، ایران، گذشته، حال، نظریه‌ها، نهادها و شخصیت‌ها اساس هر برنامه آموزشی است و بسیاری از تأملات و گفتگوهای بین مدرس، دانشجو و به عکس،



فکر پشت گزیده مقاله‌های ایفلا این است که عازمان به ایفلا سالانه سه چهار نفر بیشتر نیستند، ولی می‌شود با انتخاب مقالات مهم عرضه شده، جمع‌کنی را بدون سفر و شرکت در اجلاس‌های سالیانه ایفلا از محتوای آنچه عرضه شده آگاه کرد

و حوزه‌های وابسته مفید باشد. فکر پشت گزیده مقاله‌های ایفلا این است که عازمان به ایفلا سالانه سه چهار نفر بیشتر نیستند، ولی می‌شود با انتخاب مقالات مهم عرضه شده، جمع‌کنی را بدون سفر و شرکت در اجلاس‌های سالیانه ایفلا از محتوای آنچه عرضه شده آگاه کرد. از نظر اقتصادی هم، اگر این گزیده مقالات درآید، هزینه سفر سه چهار نفر بین جمع‌کنی از استفاده‌کنندگان از مقالات سرشکن می‌شود و صاحبان بیت‌المال نیز از این بیت‌المال به طور غیرمستقیم بهره‌مند می‌شوند.

از موارد دیگر می‌توان به فصلنامه کتاب، نشریه ادواری کتابخانه ملی اشاره کرد، این اثر به عنوان نخستین نشریه در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی درجه علمی - ترویجی گرفت (دایرةالمعارف ...، ۱۸۰۱) و انتشار مقاله‌های ارزشمند، از نظر روش‌شناسی و محتوای علمی بر پژوهشگران، مدرسان و دانشجویان تأثیر گذاشت.

از مجموع تجربه‌های فوق شاید بتوان به دو دستاورد اشاره کرد: یکی استفاده از خرد جمعی و دیگری توجه به بومی‌سازی اطلاعات، که هر دو دستاورد در قدرتمند شدن کتابخانه به عنوان یک نهاد ملی و نیز بر آثار پدیدآمده تأثیرگذار بودند و باید امیدوار بود که کتابخانه ملی در به روزآمد کردن، تداوم، گسترش و تجدید چاپ این منابع توفیق

به مرحله تجربه برسانم. جدا از پاسخ‌های موردی، آنچه دریافت آن در فضای آموزشی مهم است، آگاهی از اندیشه و دیدگاه‌های ایرانی، تجربه تألیف جمعی، چگونگی نظم‌بخشیدن به اندیشه و اطلاعات، دست یافتن به زبان مناسب، ویرایش و موارد تجربه‌شده متعدد دیگری است که هر کدام نیاز به بررسی جداگانه دارد. بی‌گمان تفسیر کلی مربوط به آثار مرجع و ترویج اهمیت این گونه پژوهش‌های بومی بر عهده کتابدارانی است که در دوران تحصیل به رسالت ملی خود پی برده باشند و به این باور رسیده باشند که کتاب مرجع به عنوان یک رسانه اجتماعی در انواع کتابخانه‌ها و با درایت کتابداران به شعله‌های فروزان تبدیل می‌شود.

از انتشارات مهم دیگر کتابخانه ملی می‌توان به ترجمه گزیده مقاله‌های ایفلا (فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری) اشاره نمود که با طرح مباحث نو در اندیشه‌های بسیاری را بر روی فضای آموزش کتابداری کشور گشود و اطلاعات عمدتاً آمریکایی و به اصطلاح انگلوساکسن سایه انداخته بر مدرسان را با دیدگاه‌ها و تجربه‌های جهانی توسعه بخشید. همکاری گروه بزرگی از کارشناسان مترجم نیز از دستاوردهای مهم این مجموعه است، راهی که به نظر نگارنده می‌توانست در جهت تربیت کارشناسان بین‌المللی ایرانی و تدوین واژه‌نامه‌های تخصصی کتابداری، اطلاع‌رسانی

یابد و فضای آموزشی کتابداری کشور همچنان از در اختیار داشتن منابع مناسب و رو به توسعه بهره‌مند گردد.

در اینجا لازم است از دو اثر دیگر یاد کرد که هر دو برای کمک به نمایه‌سازی علمی مدارک در زبان فارسی و ارائه اصطلاحات استاندارد تدوین شده است و در آموزش شیوه‌های نمایه‌سازی و تسهیل آموزش اطلاع‌رسانی به خصوص در مقطع کارشناسی ارشد بسیار راه‌گشا بوده‌اند. این دو عبارتند از: ۱- اصلاح‌نامه پزشکی فارسی که ویراست دوم آن در سال ۱۳۸۴ در دو جلد انتشار یافت (ویراست اول ۱۳۷۰) و نه تنها در سازماندهی آثار پزشکی مؤثر افتاد بلکه نمونه ساده و روشنی بود برای یادگیری شیوه به کاررفته در کتاب معتبر سرعنوان موضوعی پزشکی (مش)^۲ که از طرف کتابخانه ملی پزشکی آمریکا منتشر می‌شود. ۲- اصلاح‌نامه فرهنگی سه‌زبانه (فارسی-انگلیسی-عربی) که در سال ۱۳۸۵ منتشر شد. این اصطلاح‌نامه در واقع ویراست تکمیل‌شده‌ای بود از اصلاح‌نامه فرهنگی فارسی (اصفا) که ابتدا در سال ۱۳۷۴ از طرف سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی که بعدها در کتابخانه ملی ادغام شد، انتشار یافته بود. این اصطلاح‌نامه به حق اولین اصطلاح‌نامه‌ای است که همه خواص و مزایای یک اصطلاح‌نامه کنترل‌شده را در زبان فارسی داراست.

در عین حال باید پذیرفت که آنچه تاکنون انجام شده است در یک نظام کلی اطلاع‌رسانی مورد سنجش قرار نگرفته تا بتوان در مورد دستاوردها و کاستی‌های موجود- در آن چه مربوط به کتابخانه ملی است- به درستی قضاوت کرد و برای تصحیح و یا تکمیل کمبودها برنامه‌ریزی نمود. امید است که «نظام ملی اطلاع‌رسانی کشور» از بوته فراموشی بدرآید و مجدداً توسط کتابخانه ملی به جامعه کتابداری ایران عرضه گردد. چنین اثر جامعی مسلماً می‌تواند در همه جوانب کتابداری و اطلاع‌رسانی و همچنین آموزش کتابداری منشأ خیر و تحول باشد.

از سوی دیگر توجه به اساسنامه مصوب دی ماه ۱۳۸۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (دایرةالمعارف ...، ص ۱۳۹۶) در ماده‌های هشتگانه بخش مقدمه که به اهداف و رسالت کتابخانه ملی اختصاص دارد به مواردی اشاره نموده که توجه به آن می‌تواند آموزش کتابداری کشور را در جهت مطلوب‌تری دگرگون کند، از جمله در بندهای شش و هفت آمده است:

۶ اتخاذ تدابیر و اخذ تصمیمات لازم برای صحت، سهولت و سرعت بخشیدن به تحقیق و مطالعه در همه

زمینه‌ها به منظور اعتلای فرهنگ ملی و انجام تحقیقات مربوط.

۷. انجام مشاوره، نظارت، هدایت و ارائه خدمات فنی و برنامه‌ریزی و سازماندهی به کتابخانه‌های کشور. در تفسیر کلی این دو ماده رسالتی مطرح است که کتابخانه ملی را به طرف جامعه در سطح وسیع آن سوق می‌دهد و به دیدگاه نگارنده بسیار نزدیک است و می‌تواند برای این اندیشه از نام «کتابداری اجتماعی» استفاده کرد، دیدگاهی که بر مبنای آن دانشجو و کتابدار می‌آموزد که تمامی کارهای کتابدار برای رسیدن به یک هدف است و این هدف «خدمت» است (حرّی، ۱۳۸۳، ص ۳۰).

پیش از این به این نکته اشاره شد که کتابخانه ملی پذیرای اندیشه‌هایی بوده است که در خارج از آن شکل گرفته بودند، اکنون می‌توان پیشنهاد کرد که کتابخانه بستر مناسبی را برای رشد متفکران و کارشناسان «کتابداری اجتماعی» فراهم آورد و آرمان بزرگی را برای خود تعریف نماید. بی‌گمان چنانچه مسئولیت‌های ذکرشده در اساسنامه، مانند «تحقیق و مطالعه»، «مشاوره، نظارت و هدایت»، «فرهنگ ملی»، «کتابخانه‌های کشور» و غیره به صورت عینی جان بگیرند و هدایت امور بر عهده کارشناسان این رشته قرار گیرد، کتابداری اجتماعی با انبوهی از تجربه‌های بومی شاداب، منابع و ابزارهای مرتبط با نیازهای امروز کشور متولد خواهد شد و چهره کتابداری و آموزش کتابداری را دگرگون خواهد کرد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Anmo@kanoon.net
2. DSR
3. Medical Subject Headings (Mesh)

ماخذ:

۱. انصاری، نوش‌آفرین (۱۳۶۰)، «رده DSR تاریخ ایران»، نشر دانش، دوره ۲، ش ۲.
۲. حرّی، عباس (۱۳۸۳)، «چهل سال عشق و تفکر و تلاش» در زندگینامه نوش‌آفرین انصاری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
۳. سلطانی، پوری (۱۳۸۳) فرصت حضور، تهران: انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران با همکاری کتابخانه ملی، ۱۳۸۳.
۴. دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی (۱۳۸۱)، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

می‌توان پیشنهاد کرد که کتابخانه بستر مناسبی را برای رشد متفکران و کارشناسان «کتابداری اجتماعی» فراهم آورد و آرمان بزرگی را برای خود تعریف نماید